نگاه بیرون

پیام «داعش» برای عربستان

BBC عربي

● به نظر می‌رسد رهبران گروه تروریستی داعش قصد ندارند تشکیلات خود را در یک‌جا و بدون حرکت نگه‌دارند. در پیام صوتی اخیر که به مدت ۱۷دقیقه پخش شد و در آن فردی که گمان می‌رود «ابوبکر البغدادی»، رهبر این گروه باشد سخن می‌گفت، داعش توجه خود را به عربستان‌سعودی معطوف کرد؛ سرزمینی که زادگاه اسلام بوده و یکی از بزرگ‌ترین تولید و صادرکنندگان نفت در جهان به شمار می‌رود.

فردی که در این ویدیو سخن می‌گفت به پادشاهی عربستان‌سعودی با همین نام اشاره نمی‌کرد؛ نامی که از خانواده حاکم بر این کشور یعنی «آل‌سعود» ریشه گرفته است، بلکه به آن «بلادالحرمین» می‌گفت که در واقع اشاره‌ای به مکه و مدینه بوده و ضمنا بیانگر آن است که رهبران داعش حکومت آل‌سعود را قبول ندارند.

رهبر داعش با خطاب قراردادن پیروان این تشکیلات در عربستان‌سعودی کوشید تا فهرستی از اهداف را برای آنها ردیف کند تا بتوانند در آینده به آنها حمله کنند. این هدف‌ها از شیعیان شروع و به بقیه موارد ختم می‌شد. شیعیان یک‌اقلیت مذهبی در عربستان به شمار می‌روند که اکثر آنها در منطقه «الشرقیه» زندگی می‌کنند؛ منطقه‌ای سرشار از منابع نفتی. این در حالی است که سلفی‌های بنیادگرای افراطی آنها را «بدعت‌گذار» در دین توصیف می‌کنند.

بعد از شورش‌هایی که در عراق به‌وجود آمد شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای در خاورمیانه تشدید شد. به‌گونه‌ای که اکنون بسیاری از شهروندان سعودی احساس می‌کنند اعضای تشکیلات داعش نه یک گروه تروریستی، بلکه یک‌مشت جنگجوی شجاعی هستند که از مذهب اهل سنت دفاع کرده و با متعرضان به این مذهب مقابله می‌کنند.

مقامات سعودی بارها نسبت به این امر هشدار داده‌اند که دولت‌شان یکی از اهداف اصلی تشکیلات داعش است. با این حال بسیار بعید به نظر می‌رسد عربستان‌سعودی شاهد یک حمله مستقیم از سوی این تشکیلات باشد. البته تابستان گذشته، وقتی گروه داعش در موصل اعلام خلافت کرد، تقریبا این مساله حتمی بود که این گروه دیر یا زود به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دولت منطقه یعنی عربستان‌سعودی توجه خواهد کرد. از همان زمان مقامات دینی رده‌بالای عربستان‌سعودی و مفتی‌های این کشور، تشکیلات داعش را به‌عنوان «دشمن نخست اسلام» معرفی کردند.

یکی از سعودی‌های نزدیک به دولت اخیرا در مقاله‌ای در روزنامه «نیویورک‌تایمز» نوشت: «عربستان‌سعودی تنها دولتی در منطقه است که هم توان و هم مشروعیت لازم را برای غلبه بر گروه داعش دارد.» با این‌همه بسیاری مقامات سعودی را متهم به نقش‌داشتن در ظهور تشکیلات داعش می‌کنند و می‌گویند این کشور در اصل سرمایه‌گذار و صادرکننده نوعی تفکر افراطی اسلامی است که می‌تواند به‌مثابه نقطه شروعی برای تفکرات جهادی و جریان‌های خشونت‌طلب تلقی شود.

اما عربستان‌سعودی به طور قاطع این اتهامات را رد کرده و می‌گوید ظهور گروه‌هایی مانند داعش ناشی از هرج‌ومرجی است که جنگ داخلی سوریه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه اهل‌سنت عراق به‌وجود آورده است کمااینکه عربستان می‌گوید با شورش القاعده در کشورش در سه‌سال گذشته مقابله کرده و تاکنون صدهاسعودی در این راه جان خودشان را از دست داده‌اند.

بنابراین امروزه عربستان خود را در وضعیت دشواری می‌بیند؛ زیرا نیروی هوایی این کشور در ائتلاف ضدداعش به رهبری آمریکا شرکت دارد و علیه پایگاه‌های داعش در سوریه دست به حملات هوایی می‌زند. این در حالی است که بسیاری از شهروندان این کشور چنین اقدامی را قبول ندارند. در برخی گزارش‌ها نیز تخمین زده می‌شود بیش از دوهزارشهروند سعودی تاکنون به تشکیلات داعش پیوسته‌اند، اینها کسانی هستند که اندیشه «تکفیری» را پذیرفته و با چنین رویکرد شکاکانه و افراطی‌ای به بخش‌های مختلف جامعه عربستان می‌نگرند. همچنین مقامات سعودی، در کنار قطر و کویت تلاش می‌کنند مانع کمک مالی افراد ساکن در کشورشان به گروه‌هایی مانند داعش شوند.

از همه اینها گذشته، عربستان در مرزهای جنوبی خود با یمن شاهد مشکلات زیادی نیز است چرا که گروهی از سعودی‌ها با فرار به یمن به تشکیلات القاعده در این کشور پیوسته‌اند. دولت عربستان قصد داشت با برنامه‌هایی، اینگونه افراد را در داخل نگه‌داشته و کاری کند که دست از خشونت بکشند، اما در این کار موفق نبوده است. پس می‌توان‌گفت عربستان در داخل مرزهایش با تهدیدهایی جدی روبه‌روست؛ تهدیدی‌هایی که کاملا رنگ خشونت به خود گرفته و هرلحظه ممکن است به‌صورت یک عملیات انفجاری یا شلیک گلوله یا ربودن کسی که می‌تواند محکی برای دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور باشد، خود را نشان دهد.

افزایش ۲۳ درصدی موجب شد

۳۶ میلیون «برده مدرن» در جهان

نوید نزهت: برده‌داری زنده است؛ حتی حالا و پس از گذشت بیش از ۳۰سال از زمانی که آخرین کشورها، به‌استثنا کره‌شمالی نیز برده‌داری را غیرقانونی اعلام کرده‌اند. این همان حقیقت هراس‌آوری است که «شاخص جهانی برده‌داری» در سال ۲۰۱۴ به ما گوشزد می‌کند. بله، شاید دیگر خبری از برده‌داری سنتی نباشد، ادعایی که آن‌هم توسط کشور موریتانی به چالش کشیده می‌شود، اما شماری نزدیک به ۳۶میلیون برده در سرتاسر جهان نشان از آن دارد که این پدیده باستانی امروز نقابی مدرن بر چهره زده است. در گزارشی ۸۰صفحه‌ای که در وب‌سایت سازمان بین‌المللی حقوق‌بشری با نام «آزاد قدم بردار» (Walk Free) منتشر شده، آمده است: جهان شاهد افزایش ۲۳درصدی نرخ برده‌داری نسبت به گزارش سال گذشته این نهاد است؛ این نهاد که به‌طور مستقل اما تحت‌نظر سازمان‌ملل‌متحد فعالیت می‌کند در گزارش خود تصریح کرده است این نرخ رشد، مدیون افزایش دقت، بهبود شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها و کشف برده‌داری مدرن در مناطقی است که پیش از این چندان توجهی به آنان نشده بود، اما همین افزایش عددی برای سازمانی که سودای آن دارد تا با گسترش و شدت‌بخشی به مبارزات حال حاضر علیه برده‌داری نوین، در خلق جهانی سهیم باشد که هیچ فردی در آن مایملک دیگری نیست، قطعا مایه دلگرمی نخواهد بود. مغایرت آمار منتشرشده از سوی این بنیاد حقوق بشری استرالیایی با تخمین سازمان جهانی کار نیز که در سال ۲۰۱۲ نرخ برده‌داری را حدود نصف این میزان اعلام کرده بود، علاوه بر قابلیت‌های عملیاتی، ریشه در تعریف برده‌داری مدرن از منظر این سازمان دارد. اشکال مدرن برده‌داری همواره مفاهیمی چون قاچاق انسان، کار در ازای بدهی، کار و ازدواج اجباری، روسپیگری و فروش و بهره‌کشی از کودکان را به ذهن متبادر می‌کند؛ مفاهیمی که همگی حول دو ویژگی مشترک می‌چرخند: مالکیت و کنترل. از همین‌رو، «شاخص جهانی»، برده‌داری را چنین تعریف می‌کنند: مالکیت یا کنترل یک شخص توسط شخصی دیگر، به‌گونه‌ای که وی را با هدف بهره‌کشی، به‌طور چشمگیری از آزادی‌های فردی محروم می‌کند. این تعریف شامل ممانعت از تغییر شغل و محل کار فرد نیز می‌شود. همین دامنه گسترده برده‌داری، از کارخانه‌ها و مزارع تا پشت درهای بسته خانه‌هاست که برده‌داری مدرن را امروزه به یک تجارت پرسود تبدیل کرده است. بنابر شاخص جهانی برده‌داری، کار اجباری منشا تولید دست‌کم ۱۲۲محصول در ۵۸کشور جهان است که سالانه ۳۲میلیارددلار نصیب استثمارگران و دولت‌ها می‌کند. پس جای تعجب نیست که این بنیاد حقوق‌بشری، در نسخه جدید گزارش خود، ضمن برشمردن آسیب‌هایی که می‌تواند موجب گسترش برده‌داری شوند، توصیه‌هایی را به دولت‌ها برای غلبه بر این معضل ارایه می‌کند؛ دولت‌هایی که اغلب فارغ از میزان توسعه‌یافتگی‌شان، بیشترین منفعت را از روند صعودی برده‌داری می‌برند. در گزارش آمده است در بین ۱۶۷کشور بررسی‌شده، پنج‌کشور هند، چین، پاکستان، ازبکستان و روسیه به‌تنهایی میزبان ۶۱درصد از برده‌ها هستند. در این میان، کشور هند با شمار بیش از ۱۴میلیون برده، سردمدار تمامی کشورهاست. طبقه‌بندی اجتماعی شهروندان در هندوستان که بر مبنای آن، طبقات پایین‌تر، از بسیاری حقوق اولیه‌ای محروم هستند که شهروندان درجه اول از آن برخوردار هستند، یکی از خشن‌ترین چهره‌های برده‌داری نوین را نشان می‌دهد. اما اگر به جمعیت کشورها نیز نگاهی داشته باشیم، این موریتانی‌است که گوی سبقت را از هند می‌رباید. در کشور حدود چهارمیلیون‌نفره موریتانی که همچنان از نظام بردگی موروثی رنج می‌برد، چهاردرصد از جمعیت به‌عنوان برده روزگار می‌گذرانند. ازبکستان نیز با تراکمی کمتر از چهاردرصد برده‌داری در رتبه بعدی قرار دارد. اما اگر سنت در موریتانی به برده‌داری دامن می‌زد، این دولت ازبکستان است که برای حفظ توان تولیدی پنبه خود که هفت‌درصد از کل صادرات جهانی را به خود اختصاص می‌دهد، مردم خود را مجبور می‌کند تا در برداشت محصول از مزارع پنبه شرکت داشته باشند. برآورد می‌شود در فصل برداشت پنبه، حدود یک‌میلیون از شهروندان ازبک به کار اجباری در مزارع گماشته می‌شوند. اما در هاییتی به عنوان یکی از فقیرترین کشورهای قاره آمریکا، این کودکان هستند که قربانی نظام برده‌داری می‌شوند. کودکان کار نقش بسزایی در تراکم ۲/۳درصدی میزان برده‌داری در هاییتی و رتبه سوم آن کشور ایفا می‌کنند. مطابق انتظارها، قطر نیز به عنوان میزبان مسابقات جام‌جهانی۲۰۲۲، رتبه بالایی در این رده‌بندی کسب کرده است. بهره‌کشی از کارگران مهاجر در لوای قوانین تبعیض‌آمیزی چون کفالت و مجوز خروج، سبب شده حدود ۱/۳۵درصد از جمعیت تقریبا دومیلیونی آن کشور، به عنوان برده به‌کار گرفته شوند؛ چنان‌که این کشور را از نظر تراکم برده‌داری بالاتر از هندی قرار می‌دهد که در رتبه پنجم قرار دارد. اما تلاش‌های دولتی برای خاتمه برده‌داری نوین امری نیست که از منظر «شاخص جهانی برده‌داری» دور مانده باشد. این گزارش با ارزیابی تلاش‌های دولتی در پنج حوزه، کیفیت پاسخگویی دولت‌ها را به معضل برده‌داری بررسی کرده است. این پنج حوزه عبارتند از: حمایت از بردگان برای خروج از این وضعیت و پشتیبانی آتی از نجات‌یافتگان، رعایت عدالت قضایی درباره مسببان این وضعیت، پشتیبانی مالی و اجرای طرح‌های عملیاتی موثر در سطح ملی، اعمال قوانین و سیاست‌هایی برای ممانعت از بروز رفتارها و رشد نهادها و نظام‌های اجتماعی آسیب‌زا و جلوگیری از تامین مصالح و خدماتی مرتبط با برده‌داری نوین. تحقیقات صورت‌گرفته بر این پنج‌محور حاکی از آن است که هلند، سوئد، ایالات‌متحده، استرالیا و سوییس به ترتیب مناسب‌ترین اقدامات را برای توقف برده‌داری مدرن انجام داده‌اند. البته در شرایطی که بنابر پژوهش‌ها، میزان پایین توسعه‌یافتگی یک کشور می‌تواند به عنوان مهم‌ترین آسیب، تمامی معیارهای دیگر از جمله عدم‌ثبات دولتی، نقض حقوق‌بشر، قوانین تبعیض‌آمیز و عدم‌پیگیری سیاست‌های ضدبرده‌داری را تحت‌الشعاع قرار دهد، چنین نتایجی دور از انتظار نیست. به همین دلیل، «شاخص جهانی برده‌داری» به‌طور جداگانه از کشورهای گرجستان، فیلیپین، مقدونیه و جامایکا تقدیر کرده است که باوجود منابع محدود، برای ریشه‌کن‌کردن برده‌داری دست به تلاش‌های گسترده‌ای زده‌اند. بااین‌حال، در زمانه‌ای که بنابر گزارش هیچ‌کدام از کشورها نتوانسته‌اند برنامه‌ای جامع برای مقابله با برده‌داری تدوین کنند، ضرورت پایان‌دادن به این رویه بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. اولین گام در این مسیر به باور اندرو فارست، بنیانگذار و رییس بنیاد «آزاد قدم بردار»، اندازه‌گیری ابعاد این تهدید است؛ قدمی که بنیاد متبوع وی بسیار محکم برداشته است. آنچه در این بین باقی می‌ماند، توجه و حساسیت جامعه بین‌الملل است. روزگاری ویلیام ویلبرفورس، سیاستمدار قرن نوزدهم انگلیسی و رهبر جنبش لغو تجارت بردگان، ضمن اشاره به پیامدهای دهشتناک برده‌داری، خطاب به اعضای پارلمان آن کشور گفته بود: «شما مختارید به سوی دیگر نگاه کنید، اما هیچ‌گاه نمی‌توانید دوباره مدعی شوید که نمی‌دانستید.»

نمایه جهانی برده‌داری در سال ۲۰۱۴

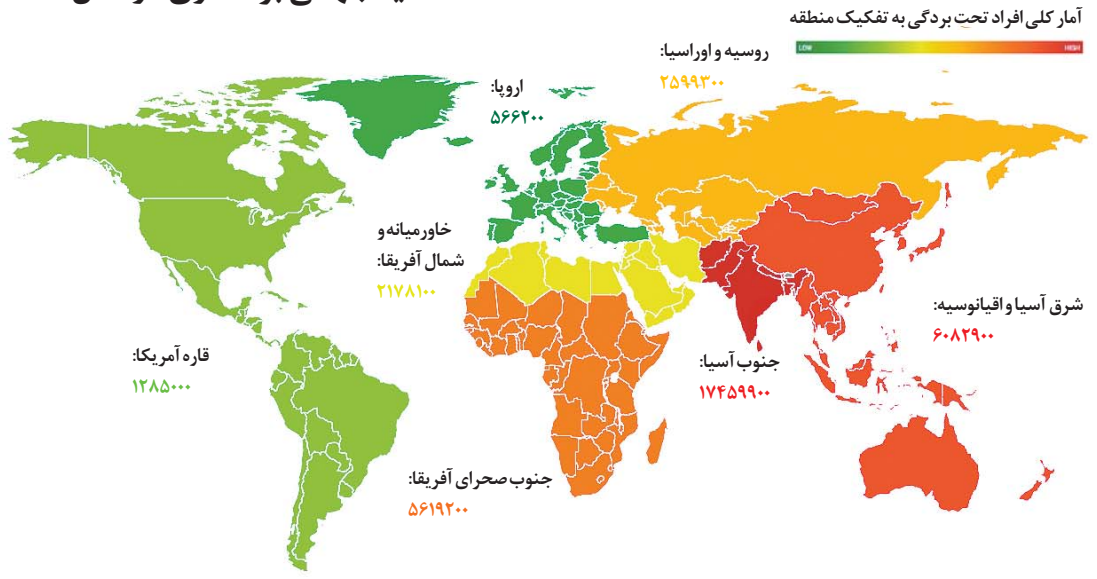

خبر

افزایش ۴۴ درصدی حملات تروریستی

● نتایج یک‌تحقیق جهانی جدید نشان می‌دهد حدود ۱۰هزار حمله تروریستی در سال ۲۰۱۳ رخ داده که ۴۴درصد بیشتر از سال قبلش بوده است. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، موسسه «صلح و علم اقتصاد» مستقر در لندن اعلام کرد، این حملات در سال ۲۰۱۳ موجب کشته‌شدن حدود ۱۸هزارنفر شد. شاخص تروریسم جهانی این موسسه نشان می‌دهد که چهارگروه عامل اکثر حملات بوده‌اند که شامل گروه تروریستی «بوکوحرام»، «داعش»، «طالبان» و «القاعده» می‌شود و گروه‌های مذکور مسوول ۶۶درصد از مرگ‌ومیرها بوده‌اند. در گزارش موسسه صلح و علم اقتصاد آمده است: عراق کشوری است که بیش از کشورهای دیگر تحت تاثیر تروریسم قرار گرفته و دوهزارو۴۹۲ مورد حمله در عراق صورت گرفته که بیش از شش‌هزارو۳۰۰ کشته به همراه داشته است. طبق این گزارش گروه تروریستی داعش مسوول بیشتر این تلفات در عراق بوده است. گزارش مذکور می‌افزاید بیش از ۸۰درصد تلفات در حملات تروریستی در عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه بوده است.

اعلام وضعیت اضطراری در میسوری آمریکا

● فرماندار ایالت «میسوری» آمریکا، گارد ملی را پیش از اعلام تصمیم یک هیات‌منصفه درباره قتل یک‌جوان سیاه‌پوست در تابستان گذشته که به چند هفته ناآرامی در شهر فرگوسن منجر شد به حال آماده‌باش درآورده است. «جی نیکسون» در بیانیه‌ای نوشت: «گارد ملی از تلاش‌های ماموران ضابط قانون برای حفظ آرامش حمایت خواهد کرد.» فرماندار میسوری در بیانیه‌ای گفت: «به‌عنوان بخشی از تلاش‌های جاری برای آمادگی جهت هرگونه وضعیت اضطراری، لازم است این نیروها پیش از اعلام تصمیم هیات‌منصفه درحال آماده باش قرار گیرند.» در چند روز گذشته اعتراضات در این ناحیه ادامه داشته؛ از جمله ده‌ها نفر روز دوشنبه در هوای زیر صفر در «کلیتون»، محل ملاقات هیات‌منصفه، راهپیمایی کردند. هم‌اکنون یک هیات‌منصفه ویژه در حال بررسی این مساله است که آیا «دارن ویلسون»، افسر پلیس که در ماه آگوست «مایکل براون» ۱۸ساله را کشت باید متهم شود یا نه. شاهدان عینی می‌گویند که «مایکل براون» در زمان حادثه دستانش را ظاهرا به نشانه تسلیم بالا گرفته بود که هدف گلوله قرار گرفت، اما پلیس می‌گوید که میان این جوان و افسر پلیس درگیری روی داده و بعدا تیراندازی صورت گرفته است. مرگ او به اعتراضات خیابانی گاه خشن در ناحیه منجر شد.

شعله‌ورشدن آتش زیر خاکستر

آرامش شکننده هفته گذشته بیت‌المقدس را حالا می‌شود آرامش پیش از توفان خواند. جسد راننده‌اتوبوس فلسطینی، حلق‌آویز میان هواوزمین در اتوبوسش پیدا شد و دوفلسطینی به‌نشانه اعتراض، به کنیسه یهودیان حمله کردند و آتش زیر خاکستر درگیری‌ها بار دیگر شعله‌ور شد. روز گذشته اغلب رسانه‌های جهان به‌پوشش‌گسترده حمله به کنیسه‌ای در بیت‌المقدس پرداختند؛ حمله‌ای که صبح روز گذشته صورت گرفت و ۶ کشته و بیش از ۸زخمی برجای گذاشت. براساس گزارش‌ها، دومرد جوان فلسطینی با کلت، تبر و چاقوی سلاخی به افراد حاضر در کنیسه محله «هرنوف» حمله کردند و سرانجام با شلیک پلیس از پای درآمدند. رسانه‌های اسراییلی می‌گویند پلیس پس از مدت‌زمانی طولانی به صحنه ماجرا رسیده و در جریان درگیری، یک‌پلیس اسراییلی نیز کشته شده است. با پایان درگیری در کنیسه، پلیس اسراییل به شهرک‌های فلسطینیان یورش برد و با گاز اشک‌آور و گلوله پلاستیکی به جوانان فلسطینی حمله کرد. جوانانی که مثل همیشه تنها با سنگ به مقابله با نیروهای اسراییلی پرداختند. به نظر می‌رسد این حمله، واکنشی به کشته‌شدن راننده اتوبوس فلسطینی در روز دوشنبه بوده است. اگرچه پلیس اسراییل بلافاصله اعلام کرد که این راننده خودکشی کرده اما خانواده این راننده فلسطینی ادعای پلیس را رد کرده‌اند و می‌گویند با بررسی جسد او متوجه آثار خونریزی و کبودی شده‌اند و مشخص است که او کتک خورده است. گمانه‌ها حاکی از آن است که این جوان فلسطینی به دست یهودیان تندرو به‌دار آویخته شده است. با مرگ این راننده، موج جدیدی از درگیری‌ها در شهرک‌های «العیزریه» و «ابودیس» در شرق بیت‌المقدس به‌راه افتاد و اکنون احتمالا با حمله به کنیسه یهودیان، بحران وارد فاز جدیدی می‌شود. دور پیشین درگیری‌ها روز ۳۰اکتبر و با بسته‌شدن بی‌دلیل مسجدالاقصی به‌روی فلسطینیان آغاز شد؛ اقدامی که «محمود عباس» رییس تشکیلات خودگردان از آن به‌عنوان «اعلام جنگ» یاد کرد. حالا گرچه محمود عباس حمله به کنیسه را محکوم کرده اما گفته است زمان آن فرا رسیده که به اشغال پایان داده شود. او خواهان پایان‌دادن به آنچه «تحریکات» اسراییل در اماکن مقدس خوانده می شود،است. در همین حال گردان‌های «ابوعلی مصطفی» شاخه نظامی سازمان چپ‌گرای«جبهه مردمی برای آزادی فلسطین»، مسوولیت این حمله را پذیرفته است. باوجود محکومیت این حمله از سوی عباس، سازمان‌های حماس و جهاد اسلامی فلسطین با رویی گشاده از این حمله تقدیر کرده و تهدید کرده‌اند این نوع حملات را ادامه خواهند داد. به گفته این دوسازمان، این حمله واکنشی طبیعی به مرگ راننده عرب اتوبوس بوده است. اما از سوی دیگر آمریکا و اسراییل، دو هم‌پیمان دیرین، با لحنی تند این حمله را محکوم کرده‌اند. «جان کری» وزیرخارجه آمریکا این حمله را اقدامی تروریستی خوانده و «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسراییل نیز ساعاتی پس از این حمله، آن را نتیجه فتنه‌انگیزی رهبران فلسطینی خواند و با حمله به محمود عباس، او را در تحریک به چنین حملاتی مقصر دانست. اگرچه دوفلسطینی حمله‌کننده به کنیسه یهودیان بلافاصله کشته شدند اما نتانیاهو گفت که اسراییل پاسخی شدید به این حمله نشان می‌دهد. با اظهارات مقامات اسراییلی و نشست اضطراری فرماندهان امنیتی در تل‌آویو، به نظر می‌رسد در روزهای آتی، دامنه درگیری‌ها گسترده‌تر شود.

دکتر «غسان خطیب» استاد دانشگاه «بیرزیت» فلسطین در گفت‌وگو با راشاتودی، سیاست‌های دنبال‌شده از سوی مقامات اسراییلی را دستورالعمل‌هایی اشتباه خواند و گفت: سیاست‌های نیروهای اشغالگر اسراییل تنها به شعله‌ورتر شدن وضعیت بحرانی می‌انجامد که این موضوع، به بدترشدن روابط فلسطینیان و اشغالگران اسراییلی منجر می‌شود. به گفته خطیب، این تنش‌ها تنها زمانی آرام می‌شود که اسراییل از لفاظی در مورد اقدامات غیرقانونی‌اش دست بردارد و گسترش شهرک‌سازی‌ها را متوقف کند. او در ادامه هشدار می‌دهد که واکنش خشونت‌آمیز به این خشونت‌های نامشروع، رویکردی اشتباه است و هر اقدام یا واکنش شتاب‌زده‌ای می‌تواند به انتفاضه جدیدی منجر شود.
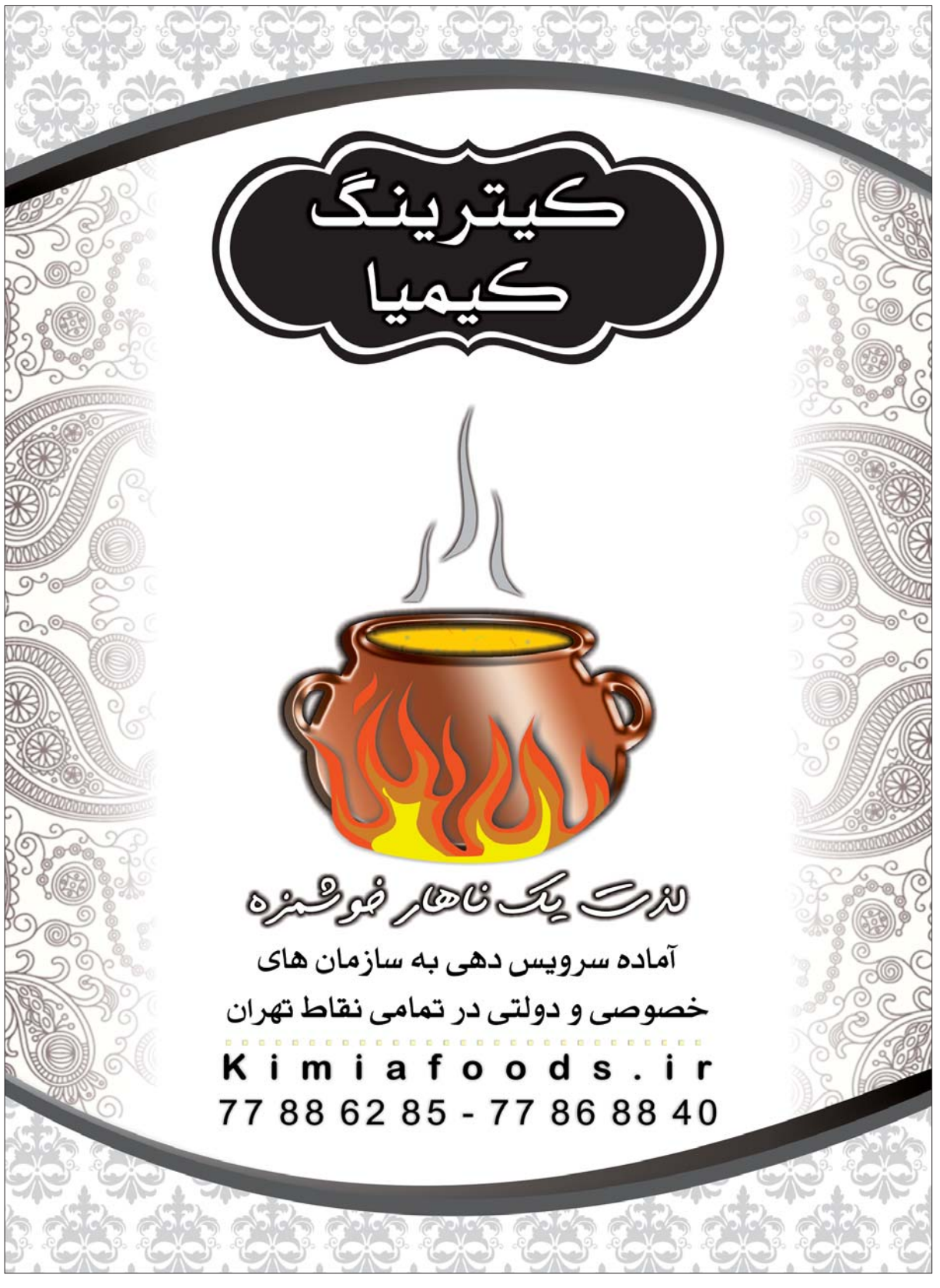
غسان در نهایت افزود که حل مناقشه به مداخله بیرونی نیازمند است. به گفته او، «احتمالا ما در آینده شاهد اقدامات و واکنش‌هایی باشیم که اوضاع را بدتر و بدتر می‌کنند. تنها راه خروج از این بحران، دخالت بیرونی است. اگر آمریکا، دوست بزرگ اسراییل مداخله کرده و اسراییل را متقاعد کند که از اقداماتش دست بردارد، احتمالا شاهد نتایج دیگری خواهیم بود.» با این حال به نظر می‌رسد ایالات متحده که حداقل از دهه ۷۰میلادی به این‌سو، به ادعای خودش نیروی محرکه برای صلح اعراب و اسراییل بوده است، اکنون به حدی درگیر مسایل داخلی و بحران عراق و سوریه است که نمی‌توان از اوباما انتظار ایفای نقشی تاثیرگذار داشت. هرچند فارغ از این مسایل، با توجه به منافع آمریکا، هیچ‌گاه نمی‌توان واکنشی خارج از چارچوب‌های نمادین از این کشور متصور شد.